



سرشناسه	ماهوان، فاطمه، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	شاهنامه نگاری گذر از متن به تصویر / فاطمه ماهوان؛ با مقدمه محمد جعفر یاحقی.
مشخصات نشر	تهران : معین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۳۷۸ ص.
شابک	978-964-165-180-2
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- فارسی، متون کهن و غیره
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh-- Paintings, Miniatures, etc :
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- تصویرها
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Illustrations :
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۴ ق.
موضوع	Persian poetry -- 10th century :
موضوع	شاهنامه در هنر
موضوع	Shahnameh in art :
شناسه افزوده	یاحقی، محمد جعفر، ۱۳۲۶ - مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره	۳۳۹۹ND / ف ۴۲۴ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	۷۴۵/۶۷۰۹۵۵:
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۶۹۶۳۶:



انتشارات معین

روبه روی دانشگاه تهران، خربوسی، اتحی داریان، پلاک ۳- تلفن: ۶۶۴۰۵۹۹۲

www.moin-publisher.com

info@moin-publisher.com

برای دریافت تازه‌های کتاب انتشارات به کانال تلگرام ما پیوندید.

<https://t.me/moinpublisher>

ماهوان، فاطمه

شاهنامه‌نگاری، گذر از متن به تصویر

مقدمه فارسی: دکتر محمدجعفر یاحقی

مقدمه انگلیسی: دکتر گابریل وندنبرگ (هلند)

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۵۰

طرح جلد: علی یاراحمدی

صفحه‌آرا: اعظم جنتی‌فر

گرافیک: زینب طحانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۱۴۲۳۰-۶۶۹۶۱۴۹۵

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۳	میدانی تازه در پژوهش‌های ادبی
۱۷	مقدمه
۲۰	ارزیابی نقد پژوهش‌های پیشین
۲۴	پیشینه روشی نگارنده
۲۸	روش تدوین اثر
۳۲	روش پژوهش در ادب
۳۳	مشکلات و موانع تحقیق
۳۴	راهکارها و پیشنهادها
۳۵	سپاس‌نامه
۳۷	بخش ۱. چشم‌اندازی به نگارگری
۴۱	۱- چشم‌انداز تاریخی کتاب‌آرایی
۴۲	۲- شاهنامه‌نگاری
۵۱	یادداشت‌ها
۵۳	بخش ۲: ساختار قدرت؛ ساختار تصویر
۵۵	تأثیر ساختار قدرت بر شاهنامه‌های مصوّر درباری
۵۶	هنر درباری تیموریان
۶۱	فصل ۱: تأثیر ساختار قدرت بر شاهنامه بایسنغری
۶۲	۱- بایسنغر میرزا

۶۳	۲- شاهنامه بایسنغری
۶۵	۳- طبقه‌بندی و بررسی آماری نگاره‌های شاهنامه بایسنغری
۶۶	۳-۱- بزم درباری
۷۰	۴- بررسی عناصر تصویری در نگاره‌های شاهنامه بایسنغری
۷۰	۴-۱- عناصر تزیینی عمارت‌ها
۷۵	۴-۲- آبگینه‌ها و ظروف اطعمه و اشربه
۷۷	۴-۳- فرش‌ها و بافته‌ها
۷۹	۴-۴- ردپای بایسنغر در نگاره‌های شاهنامه
۸۱	۵- ساختار قدرت و ساختار تصویر در شاهنامه بایسنغری
۸۳	فصل ۲: تأثیر ساختار قدرت شاهنامه ابراهیم سلطان
۸۴	۱- ابراهیم سلطان
۸۴	۲- شاهنامه ابراهیم سلطان
۸۶	۳- طبقه‌بندی و بررسی آماری نگاره‌های شاهنامه ابراهیم سلطان
۸۷	۴- نگاره‌های صدرنشین در شاهنامه ابراهیم سلطان
۸۷	۴-۱- کمیت نگاره‌های صدرنشین در شاهنامه ابراهیم سلطان
۸۹	۴-۲- کیفیت نگاره‌های صدرنشین در شاهنامه ابراهیم سلطان
۹۳	۴-۳- ابراهیم سلطان در مرکز توجه
۹۹	۵- شواهدی تاریخی در تأیید صدرنشینی نگاره‌ها
۱۰۱	فصل ۳: شاهنامه جوکی و هنر قدرت‌گریز
۱۰۲	۱- محمد جوکی
۱۰۳	۲- شاهنامه جوکی
۱۰۴	۳- طبقه‌بندی و بررسی آماری نگاره‌های شاهنامه جوکی
۱۰۵	۴- کیفیت مصورسازی مجالس رزم در شاهنامه جوکی

۱۰۸	۴-۱- تراژدی قلعه فرود
۱۱۱	۵- نقدی چند بر نظرگاه باربارا برند
۱۱۳	۶- ساختار قدرت گریز شاهنامه جوکی
۱۱۷	حاصل سخن
۱۲۱	یادداشت‌ها
۱۲۵	بخش ۳: برون‌متن و شاهنامه‌نگاری
۱۲۷	پیش‌درآمد
۱۲۹	فصل ۱: هم‌سان‌نگاری سه سپیدپیکر
۱۳۰	۱- پیکرشناسی دیو سپید در روایات متنی و تصویری
۱۳۱	۱-۱- پیکره‌شناسی دیو سپید در روایات متنی
۱۳۲	۱-۲- پیکره‌شناسی دیو سپید در نگاره‌های شاهنامه
۱۳۷	۲- همسان‌نگاری دیو سپید و خدای سپید
۱۴۱	۳- همسان‌نگاری دیو سپید و اهریمن سپید
۱۴۳	۴- دیو شیرموی: دیو سپیدموی و اهریمن شیر
۱۴۸	۵- دیو سیه‌پیکر
۱۴۹	۶- نگاهی بر همسان‌نگاری سپیدپیکران
۱۵۱	فصل ۲: مغفر دیوسر و دوشاخ رستم
۱۵۵	۱- بررسی نظام نشانه‌ای تصویری
۱۵۸	۱-۱- شیوه‌های ترسیم کلاه‌خودی از سر دیو
۱۶۲	۲- مغفر دو شاخ رستم
۱۶۳	۲-۱- خدایان، شاهان و قهرمانان شاخ‌دار
۱۶۸	۳- مغفر توت‌میک رستم
۱۶۹	۴- گرانبایه مغفر کلاه من است

فصل ۳: تأثیر برون‌متن بر نگاره‌های شاهنامه داوری	۱۷۱
۱- شاهنامه داوری	۱۷۲
۲- عکس‌های قاجاری، بازتاب واقعیت	۱۷۳
۳- گشتار در نگاره‌های شاهنامه داوری	۱۷۶
۱-۳- انطباق عکس و نگاره در تجسم جامه و لباس	۱۷۶
۲-۳- انطباق عکس و نگاره در تجسم معماری	۱۸۷
۳-۳- انطباق عکس و نگاره در چهره‌نگاری	۱۹۲
۴- محدودیت امر اشرافی در نگاره‌های شاهنامه داوری	۱۹۶
۵- نگارگری بلد برای مؤانست با شاهنامه	۲۰۱
فصل ۴: چهره فردوسی در نگاره‌های شاهنامه چگونه ترسیم شده است؟	۲۰۳
۱- چهره‌نگاری در نگارگری ایرانی	۲۰۴
۲- چهره‌نگاری فردوسی در نگاره‌های شاهنامه	۲۰۴
۱-۲- فردوسی و شعرای غزنه	۲۰۴
۲-۲- فردوسی و سلطان محمود غزنوی	۲۱۴
۲-۳- شاهنامه برای صله سروده نشده است	۲۱۷
۲-۴- فردوسی و حضرت سلیمان	۲۲۲
۲-۵- فردوسی بر عرشه سفینه نجات	۲۲۶
۲-۶- فردوسی در متون دیگر	۲۲۷
۳- نگاره‌هایی خارج از متن	۲۲۹
۴- نگاره فردوسی	۲۳۰
حاصل سخن	۲۳۲
یادداشت‌ها	۲۳۴
پیوست‌ها	۲۴۳

۲۴۵	۱- تحلیل داده‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SAS
۲۴۷	جدول‌ها
۲۶۱	نماینه‌ها
۲۸۳	فهرست نمودارها
۲۸۳	فهرست جدول‌ها
۲۸۴	فهرست تصاویر
۲۹۱	منابع
۳۰۶	منابع لاتین
۳۰۹	مقدمه انگلیسی
۳۱۳	تصاویر رنگی

بر ایوان نگارید چندی نگار ز شاهان و از بزم و از کارزار
نگار سر و تاج کاووس شاه نگارید با یاره و گرز و گاه
فریدونش را نیز با گاوسار بفرمود کردن بر آنجا نگار
(فردوسی، ۱۳۸۹: ۲/ ۳۱۴، ۱۶۷۸)

ادبیات، به معنای شناخت، اگر فقط ادبیات را بشناسیم. درنوردیدن مرزهای ادبیات که یکی از محورهای پژوهش‌های غربی به‌ویژه در حوزه ادبیات تطبیقی است، دقیقاً همان گم‌شده مطالعات ادبی امروز ماست. پژوهش‌های دانشگاهی ما از یک فقدان بزرگ رنج می‌برد و آن محصور شدن مطالعات ادبی در درون خویش یا به اصطلاح جزیره‌ای شدن آن است که حاصل آن چیزی جز تنگ‌بینی ادبیات به فرم و ظاهر و فاصله گرفتن از قابلیت‌های پژوهشی آثار ادبی نخواهد بود. پس، دیر است که کاذب پولادین میان مؤسسات علوم انسانی که امکان تبادل اندیشه را از بین می‌برد، باید برچیده شود. برای شکستن این سد بزرگ، راه‌های متعددی می‌توان پیشنهاد کرد. یکی از این راه‌ها ورود به حوزه‌های مطالعاتی جدید است. ادبیات و نگارگری یکی از این زمینه‌های مطالعاتی است که ورود به آن می‌تواند باب بحث‌های تازه‌ای را بگشاید.

ادبیات و نگارگری چگونه می‌توانند به هم گره بخورند و از این طریق یک حوزه مطالعاتی جدید در یکدیگر تلفیق شوند؟ خوب است بدانیم که ادبیات و نگارگری از دیرباز با هم پیوند داشته‌اند. پیشینیان ما به‌منظور عینیت بخشیدن به متن و افزودن نمونه‌های بصری به آن، نسخ خطی را با تصاویری می‌آراستند یا به عبارت بهتر برای روایت متنی، روایت تصویری خلق می‌کردند. این سنت از نخستین سده‌های اسلامی تا دوره قاجار تداوم و رواج داشته است. البته می‌توان پیشینه این سنت را تا گذشته‌های دور نیز عقب برد. برخی قرائن حاکی از آراستن مکاتبات و رساله‌های منظوم و منثور است:



پس آن نامه زال پاسخ نوشت بیاراست چون مرغزار بهشت

(فردوسی، ۱۳۸۹، ۲۲۰/۱۳۴/۱)

ریشه‌های کهن پیوند متن و تصویر در فرهنگ ایرانی، راهی پیش پای محقق امروز قرار می‌دهد تا طرحی نو در مطالعات ادبی درافکند و با احیاء مطالعه توأمان متن و تصویر، از سویی این سنت نیکِ دیرینه‌سال را زنده کند و از سوی دیگر ادبیات را از چارچوب محدودِ تزیین برهاند و با سایر حوزه‌های مطالعاتی پیوند دهد. آنچه در این دفتر مطرح می‌کنیم، ورود به حوزه مطالعاتی جدیدی است که پیشینه آن تا قرون اولیه اسلامی و حتی پیش از اسلام قابل ردیابی است. این نوع مطالعه نظری را بر شالوده استوار و دیرینه سنت کتاب‌آرایی ایرانی بنا می‌کنیم و درصدد هستیم تا همین سنت را احیا کنیم و پژوهش در این زمینه را با پژوهش ادبی پیوند دهیم.

پژوهش حاضر با توجه به این نیاز، به‌عنوان نمونه به سراغ یکی از برجسته‌ترین آثار مصور یعنی شاهنامه فردوسی می‌رود تا نشان دهد که چگونه نگاره‌ها، موجب پویایی و زنده نگاه‌داشتن متن ادبی می‌شوند. نگاره‌های شاهنامه از جنس نیازها، آمال، اندیشه‌ها، باورها و آداب و رسوم رایج در هر دوره است و همین تناسب سبب می‌شود که نگاره‌ها بتواند به‌مثابه اسنادی تصویری از اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن دوران تلقی شود و روح زمانه را انعکاس دهد. این تلقی را تحت‌عنوان کاربرد عمار برون‌متنی در فرایند شاهنامه‌نگاری دنبال می‌کنیم. اهمیت موضوع از آن‌جهت است که مقال متن تصویری شاهنامه از زمانه‌ای به زمانه دیگر تنها در صورتی معنی داشته که نگاره‌های آن با مؤلفه‌های زمانی و مکانی جدید انطباق یابد. همین انطباق سبب شده که مردم با شاهنامه انس بگیرند و آن را کتابی از آن خود و نشان‌دهنده تمثیلات و آرمان‌های روزگار خود بدانند.

مهم‌تر از همه اینکه با این‌گونه مطالعات اهمیت و تأثیرگذاری شاهنامه، به‌عنوان یک شاهکار ادبی، بر فرهنگ و هنر این مرزوبوم به‌خوبی نمایان می‌شود. دامنه اثرگذاری شاهکارهای ادبی، تنها به ادبیات محدود نمی‌شود، بلکه این آثار از چارچوب ادبیات فراتر رفته و زمینه خلق آثار دیگر، نظیر آثاری در حوزه‌های هنری را فراهم می‌آورند. شاهنامه فردوسی از آن شاهکارهایی است که دامنه تأثیر آن تا سرحد خلق بیش‌متن‌های هنری و



فرهنگی متعدد بسط یافته و داستان‌های آن بر دیوارنگاره‌ها، سنگ‌نگاره‌ها، نقش‌برجسته‌ها، ظروف، بافته‌ها (پارچه‌ای و قالیچه‌ای)، سفالینه‌ها، نسخ خطی و ... برجای مانده‌است به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که این کتاب به مرتبه اصلی‌ترین محور هنر تصویری ایران نائل آمده‌است.

شاهنامه بر هنر نگارگری تأثیر ژرفی برجای گذاشته‌است. نباید از یاد برد که اگر شاهنامه نمی‌بود، هنر نگارگری به‌ویژه در عرصه حماسه‌نگاری به چنین اعتلایی دست نمی‌یافت. شاهنامه هم به‌جهت کمی بیش از دیگر آثار ادبی به تصویر درآمده و هم به‌جهت کیفی زیباترین. نفیس‌ترین نگاره‌ها را به خود اختصاص داده‌است. همان‌طور که برجسته‌ترین داتبان در دوره اسلامی اوج هنر خود را در کتابت قرآن به نمایش گذاشته‌اند، نام‌آورترین نگارگران نیز بهایت هنر خود را در تصویرگری مجالس شاهنامه، به‌عنوان شاخص‌ترین و پرتعدادترین اثر فارسی، به‌کارگرفته‌اند تا جایی که در هر دوره‌ای یک گاه‌چندین نسخه از شاهنامه تصویرت نفیس مصور شده و هر والی و حکمرانی با حمایت از هنر شاهنامه‌نگاری توانسته‌است شهره و عظمت هنر عصر خویش را به نمایش درآورد. همان‌گونه که متن شاهنامه مرگب از خرده روایت‌های پراکنده ملکی و حماسی است که به همت فردوسی در قالب یک کلان‌روایت گردآمده و پیکره‌ای واحد پیدا کرده‌است، نگاره‌های شاهنامه نیز بر ساخته از خرده روایت‌های پراکنده تصاویر حماسی است که در پرتو شاهنامه در قالب یک کلان‌روایت گردآمده و پیکره‌ای واحد یافته‌است. این پیکره واحد در روایت متنی در قالب این کتاب تعین پیدا کرده و در روایت تصویری در قالب نگاره‌های شاهنامه تجسم یافته‌است. شکوه هنری نگاره‌های شاهنامه عظیم شد که در فروردین ۱۳۹۰ تنها یک برگ از شاهنامه طهماسبی در حراج ستیزان به قیمت ۱۲ میلیون دلار رکورد فروش آثار هنر اسلامی را بشکند.

درباره اصطلاح «شاهنامه‌نگاری» باید گفت که این اصطلاح به‌خوبی نمایانگر پیوند دیرینه متن و تصویر است. پیشینیان متون را با خط خوش می‌نوشتند و آنگاه با نقش و نگار می‌آراستند تا روایت متنی را با زبان تصویر بازگو کنند و پیوند میان متن و تصویر را هرچه بیشتر استوار سازند. به همین دلیل «کلمه نگارنده که در فارسی به معنی «نویسنده» و



«نگاشتن» که به معنی «نوشتن» است، از «نگار» به معنی نقش و تصویر گرفته شده است. (اقبال، ۱۳۶۲: ۱۸۴). ارتباط بنیادین نوشتن و نقش کردن چنان است که در زبان فارسی، فعل نگاریدن و نگاشتن و لغات و کلمات مشتق از آن‌ها هر دو معنا را می‌رساند. گرچه امروزه نگاشتن و نگاریدن بیشتر به معنی نوشتن به کار می‌رود ولی در گذشته این افعال با نقش و تصویر همراه می‌شدند و به مرور زمان مجازاً در معنی نوشتن به کار رفتند چنانکه فردوسی، کتاب «دین» را در معنی «نقش کردن» به کار برده است:

بر ایوان نگارید چندی نگار ز شاهان و از بزم و از کارزار
(فردوسی، ۱۳۸۹، ۱۶۷۷/۳۱۴/۲ - ۱۶۷۹)

آنان که با ادبیات "ت" وارد شاید از «شاهنامه‌نگاری» مفهوم نوشتن شاهنامه را استنباط کنند، اما توضیح فوق گویای مفهوم درست شاهنامه‌نگاری و پیوند استوار آن با نگارگری است.

ارزیابی و نقد پژوهش‌های پیشین

در سال‌های اخیر پژوهش‌های چندی در زمینه ادبیات و نگارگری انجام شده است، اما نقطه کور و جای خالی این مطالعات آن است که، «طرح مهم» در بررسی ارتباط متن و تصویر، پژوهشگران تنها به بیان محتوای کلی داستان اکتفا کرده‌اند. باین وجود از دستاوردهای پژوهش‌هایی که در زمینه نسخه‌شناسی، تحلیل ضابط، کتاب‌آرایی و ... انجام شده، می‌توان بهره گرفت. پیشینه پژوهشی را با رویکردی انتقادی بیان می‌کنیم تا جایگاه پژوهش حاضر در پیکره مطالعات پیشین تبیین شود.

۱- نگارگری:

اولگ گرابار^(۱) در فصل اول کتاب *مروری بر نگارگری ایرانی* (۱۳۹۰: ۱۷-۴۹) با تبارشناسی مشروح و دقیقی از تحقیقات انجام گرفته درخصوص نگارگری ایرانی، این پژوهش‌ها را به شیوه‌ای منسجم طبقه‌بندی و نقد کرده و در بسیاری موارد کاستی‌ها و زمینه‌هایی را که به پژوهش بیشتر نیاز داشته، متذکر شده است. بنابراین از تکرار آن پرهیز



می‌کنیم. وی این پژوهش‌ها را در دو دسته باستان‌شناسانه (گردآوری اطلاعات مربوط به نسخ مصوّر) و نشانه‌شناسانه (بررسی زبان تصویر و نشانه‌شناسی نگاره‌ها) طبقه‌بندی کرده‌است.

از نخستین پژوهش‌های خاورشناسان تا آخرین آن‌ها، تلاش‌هایی برای معرفی نسخ مصوّر، بررسی مکتب‌های نگارگری، تبیین اصول زیباشناسی و گاه پشتوانه‌های فرهنگی این هنر صورت گرفته که در این میان پژوهشگرانی نظیر بازل گری،^(۱) بازل ویلیام رابینسون،^(۲) ادل آدامووا،^(۳) استوارت کری ولش^(۴) سهمی به‌سزا در معرفی و طبقه‌بندی نسخ مصوّر داشته‌اند. از آنجاکه دستاورد پژوهش‌های وسیع و متنوع مزبور، بیشتر جنبه هنری دارد و به موضوع این کتاب مربوط نمی‌شود، به همین اشاره اجمالی بسنده می‌کنیم. این پژوهش‌ها غالباً بر محور مطالعات تاریخی متمرکز بوده و تنها در واپسین دهه‌های قرن بیستم، به رویکردهای تحلیلی گرایش یافته‌است.

۲- شاهنامه‌نگاری

الف) آثار محققان ایرانی: از نخستین و ارزشمندترین آثار محققان ایرانی درباره شاهنامه‌نگاری، مقاله عباس اقبال آشتیانی (۱۳۰۱: ۱۷۹-۱۸۴) در گردهمایی بزرگ هزاره فردوسی در مهرماه ۱۳۱۳ با عنوان «نقش و شمار داستان‌های ملی ایران قدیم» و مقاله ایرج افشار (۱۳۵۵: ۱۷-۴۵) با عنوان «شاهنامه از خطی تا چاپ» مندرج در مجله هنر و مردم است. در این مقالات پیشینه تصویرگری شاهنامه و برخی از صور آن معرفی شده‌است. برگزاری پیش‌همایش شاهنامه‌نگاری در ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ به همت فرهنگستان هنر و چاپ چند نمونه از آلبوم‌های شاهنامه (حاوی برگزیده‌ای از نگاره‌های شاهنامه) از دیگر اقدامات مؤثر در این حوزه است. بخش عمده پژوهش‌های شاهنامه‌نگاری، به‌ویژه در سه دهه اخیر، آثاری است که نسخ مصوّر شاهنامه را معرفی و از منظر زیبایی‌شناسی تحلیل کرده‌اند، از جمله:

^۱ Basil Gray

^۲ Basil William Robinson

^۳ Adel Adamova

^۴ Stuart Cary Welch



۱- شریف‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۳). *شاهنامه‌نگاری در ایران*، چاپ اول، تهران، سوره مهر: عبدالمجید شریف‌زاده که پیش‌ازین در کتابی با عنوان *نامورنامه* (۱۳۷۰) آلبومی از نگاره‌های شاهنامه گردآورده بود، در کتاب *شاهنامه‌نگاری در ایران*، شاهنامه‌های مصور موجود در موزه‌های ایران را معرفی کرده‌است.

۲- نام رمطلق، بهمن (۱۳۸۹). *اسطوره‌متن بیناشانه‌ای (حضور شاهنامه در هنر ایران)*، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی: این اثر حاوی چند مقاله به قلم هنرپژوهان برجسته است. در هر مقاله تأثیر شاهنامه بر یکی از هنرها بررسی و تحلیل شده تا محوریت شاهنامه در هنر ایرانی نه‌بان شود.

ب) آثار شرق‌شناسان. پژوهش‌های ارزنده شرق‌شناسان در زمینه شاهنامه‌نگاری، از سویی به جهت پیشگامی آنان در این زمینه و از سوی دیگر به جهت روشمندی اهمیت دارد. غربیان در آغاز به نسخ مصر و سی‌سی از منظر یک کالای عتیقه و قیمتی می‌نگریستند. به دلیل توجه به جنبه اقتصادی نگاره‌ها بر آن‌ها چنان‌که سپس‌تر خواهیم گفت، شیرازه نسخی مثل دموت و طهماسبی از هم گسسته شد (ک: ه مین پژوهش، بخش ۱: شاهنامه‌نگاری). پژوهش‌های نخستین نیز از همین نگرش اقتصاد به نسخ مصور متأثر بود. به تدریج ابعاد هنری نگاره‌ها مورد توجه شرق‌شناسان قرار گرفت. البته آن‌ها به هنری نگاره‌ها را بیشتر با معیارهای هنر غرب می‌سنجیدند؛ کمااینکه اطلاق لفظ «مینیاتور» در نگارگری از تصویری مبهم از هنر ایرانی ناشی می‌شود؛ زیرا اروپاییان عموماً مینیاتور را به نگاهی کوچک منقوش بر روی عاج، اطلاق می‌کردند (مقدم‌اشرفی، ۱۳۶۷: ۹؛ آغداشوی، ۱۳۸۷)، حال‌آنکه نگارگری ایرانی به هیچ‌روی به نقاشی‌های ریزنقش و کوچک محدود نبود و تصاویری در ابعاد سلطانی و نقاشی‌های دیواری را نیز در برمی‌گرفت (پاکباز، ۱۳۸۸: ۵۹۹-۶۰۲).

نگرش علمی به نگارگری ایرانی و تنظیم و طبقه‌بندی نگاره‌ها و مدار پژوهش‌های روشمند شرق‌شناسان است. ماریانا سیمپسون^(۱) در مقاله «شاهنامه در مقام متن و شاهنامه در مقام تصویر» بر پژوهش‌های شاهنامه‌نگاری از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ نگاهی دارد (Simpson, 2004: 9-23). نمایه مفهوماتی تصاویر شاهنامه، شامل ۴۰۰۰ نگاره از بیش از



یک صد نسخه خطی است که جیل نورگرن^(۱) و ادوارد دیویس^(۲) گردآوری کردند و در سال ۱۹۶۹ به مدیریت اولگ گرابار^(۳) به صورت فتوکپی در دانشگاه میشیگان توزیع شد، اما هیچ گاه به چاپ نرسید.^۱ پایگاه اینترنتی دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۰۱ به سرپرستی جروم کلیتون^(۴) ۲۷۷ نگاره از پنج نسخه محفوظ در کتابخانه فایرستون^(۵) دانشگاه پرینستون به همراه تصاویر شاهنامه بزرگ ایلخانی و چند نسخه دیگر را گردآوری کرد.^۲ به همت پژوهشگران دانشگاه‌های کمبریج، پرینستون، ادینبورگ و ژنو دو نمایه مذکور جانی تازه یافت. این دستاوردها شالوده شکل‌گیری پروژه شاهنامه^(۶) را پی افکند. پروژه شاهنامه در دانشگاه کمبریج و به سرپرستی پرفسور چارلز ملویل^(۷) از سال ۱۹۹۹ گردآوری نگاره‌های شاهنامه را آغاز کرد و تاکنون بالغ بر ۲۰ هزار نگاره از ۱۵۰۰ نسخه مصور را به صورت بانک اطلاعاتی آنلاین گردآوری کرده است. با پژوهش‌های پروژه شاهنامه که در دانشگاه کمبریج اجرا می‌شود، فیل جدیدی در مطالعات شاهنامه‌نگاری آغاز شد. در این پروژه، با شیوه‌ای متفاوت از نخبه‌مات پیشین، ابعاد مختلف نگاره‌های شاهنامه (به لحاظ هنری، نسخه‌شناسی، ارتباط نگاره با متن، تاریخ مربوط، دخل و تصرف در نگاره‌ها و...) بررسی می‌شود. جامعیت طرح مذکور و روش علمی و دقیق آن، این طرح را مرجعی جامع در پژوهش‌های مربوط به شاهنامه‌نگاری معرفی می‌کند حاصل پژوهش‌های پروژه شاهنامه تاکنون به صورت سه مجموعه مقاله زیر تنظیم شده است:

- 1- Hillenbrand, Robert (2004). *Shahnama, The Visual Language of the Persian Book of Kings*, Edinburgh, Ashgate.
- 2- Melville, Charles (2006). *Shahnama Studies I*. Cambridge, The Center of Middle Eastern and Islamic Studies, University of Cambridge.
- 3- Melville, Charles and Van den Berg, Gabrielle (2012): *Shahnama Studies II*, Leiden Brill.

-
1. Jill Norgern
 2. Edward Davis
 3. Oleg Grabar
 4. Clinton, Jerome
 5. Fireston
 6. Shahnama Project
 7. Charles Melville